اخوان الصفا و خلان الوفا

بهبهانی نیا، سید مهدی

در صفحه‏ی شماره‏ی 28 ماهنامه‏ی وزین حافظ(اردیبهشت‏ 1385)طیّ مقاله‏یی مفصل با عنوان«تاریخچه‏ی جامعه‏ی مدنی در ایران»به قلم جناب پروفسور سید حسن امین،ضمن بحث از«پیشینه‏ی‏ تشکل‏های فرهنگی و مدنی در ایران»،نخست از نهضت شعوبیه و سپس در صفحه‏ی 31 از جنبش فرهنگی و مدنی«اخوان الصفا»هم،به‏ اختصار مطلبی درج شده بود.این جانب،برای تبیین و توضیح بیش‏تر این موضوع،مناسب دانستم که مطلب ذیل را به خوانندگان دانشمند مجله تقدیم دارم.

اخوان الصفاء جمعیتی بوده سرّی و زیرزمینی که به احتمال قوی در اوایل یا اواسط قرن چهارم هجری تشکیل و پنجاه و یک مقاله و رساله‏ در علوم و رشته‏های مختلفه تدوین و منتشر کرده‏اند و به تحقیق در جامعه‏ی آن زمان غوغا و هیجان ایجاد کرده‏اند.امّا نسبت به تشخیص‏ عقیده‏ی آنان اختلاف است و ابهاماتی درباره‏ی اعضای این جمعیت و اهداف آنان و گرایش‏های ذهنی،فرهنگی،فلسفی و مذهبی ایشان‏ وجود دارد.برخی آنان را معتزلی و بعضی شیعه و اسماعیلی خوانده‏اند، ولی یقینا به هیچ یک از این مذاهب پایبند و معتقد نبوده و خود دارای‏ مسلک و طریقه‏ی خاصی بوده‏اند که بر آرزوی مدینه‏ی فاضله مبتنی‏ بوده است.

در حقیقت محور فکری و اندیشه‏ی آن جمعیت حد وسط ادیان و راه‏های فلسفه است و کمال انسانی را مشروط به اجتماع قوانین حکمت‏ و نوامیس الهی می‏دانسته‏اند و مقصودشان از تدوین آن رسائل‏ نزدیک کردن افکار عامه‏ی مردم به طریقه‏ی استدلال و براهین بوده تا در نتیجه از زیربار موهومات خارج و به راه صواب و صلاح بگردند و براساس این تفکر سعی می‏کردند،رسائل و نظرات خود را به عبارت ساده‏ و معمولی و در خور فهم و ادراک عمومی تنظیم و در صورتی که اجبارا ناچار بودند مطالب علمی و بلند را عرض نمایند،آن را با تمثیلات و شواهد عوام فهم و کوتاه می‏آوردند که برای مردم عادی قابل استفاده‏ باشد.

اگرچه به تحقق نپیوسته ولی از اسامی برخی از این اخوان که در کتب تاریخی و آثار اهل تحقیق بر می‏آید و بعضی از رسایل آنان هم موید این ادعا می‏باشد،ایرانیان در تشکیل و تاسیس این گروه دخالت اساسی‏ و کلی داشته‏اند و احتمالا تضعیف دستگاه حکومتی و خلافت بغداد مورد نظر و نیات درونی و قلبی آنان بوده است.افکار ایرانیان در نظرات‏ این جمعیت به خوبی هویداست به عنوان مثال بیست بیت از اشعار فارسی‏ در آثار آنان مشاهده و دیده می‏شود و هم‏چنین در ضمن حکایت در یکی‏ از رسائل خود،دین زرتشت را بر کیش موسی ترجیح داده‏اند و کتب‏ ایشان در عالم اسلامی شیوع یافته و تاثیرات مهم کرده است.لازم به‏ ذکر است که«نام حضرت موسی یکصدو سی بار در قرآن مجید مذکور است و وقایع زندگی او بیش از دیگر پیغمبران در قرآن یاد شده است و اما لفظ مجوس فقط یک بار در قرآن مجید و در آیه‏ی هفدهم از سوره‏ی‏ حج ذکر گردیده است.

قفطی در اخبار العلماء باخبار الحکماء گوید که بعضی از مردم، مولفان رسائل اخوان الصفا را یکی از امامان نسل علی بن ابی‏طالب(ع) دانسته‏اند و گروهی دیگر آن‏ها را به حکیم مجریطی قرطبه‏یی اندلسی‏ نسبت داده‏اند و گروهی دیگر،آن‏ها را از امام جعفر صادق و جمعی دیگر از مسلمة بن قاسم اندلسی و برخی به احمد بن عبداللّه(از فرزندزادگان‏ امام جعفر صادق و زعمای اسماعیلیه)نسبت داده‏اند.

این بود مختصری در اطراف جمعیت اخوان الصفاء.امید دارم فضلا و اساتید گرامی به دیده‏ی بزرگی به این حقیر بنگرند.

منابع

1-رسائل اخوان الصفاء؛2-تاریخ فلسفه در جهان اسلام،حنا الفاخوری؛3- ریحانة الادب؛4-اعلام قرآن؛5-مجله‏ی حافظ،شماره‏ی 28.

قطره قطره آب شدیم

محمد علی بهمنی

قطره قطره اگرچه آب شدیم‏ ابر بودیم و آفتاب شدیم‏ ساخت ما را همو که می‏پنداشت‏ به یکی جرعه‏اش خراب شدیم‏ هی!مترسک کلاه را بردار ما کلاغان دگر عقاب شدیم‏ ما از آن سودن و نیاسودن‏ سنگ زیرین آسیاب شدیم‏ گوش کن،ما خروش و خشم ترا هم‏چنان کوه،بازتاب شدیم‏ اینک:این تو که چهره می‏پوشی‏ اینک این ما که بی‏نقاب شدیم‏ ما که این زندگی،به خاموشی‏ هر سوال ترا جواب شدیم‏ دیگر از جان ما چه می‏خواهی؟ ما که با مرگ بی‏حساب شدیم.